

تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی

Division of Household Labor, Perceived Justice (Fairness), and Marital Satisfaction

K. Ghobadi, MSc.

کاوه قبادی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

M. Dehghani, Ph.D. ✉

دکتر محسن دهقانی ✉

عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

L. Mansour, MSc.

لادن منصور

عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه شهید بهشتی

M. Abbasi, MSc.

مریم عباسی

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۳/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۲/۵

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۲

Abstract

Housework, its determinants and the outcomes of household labor division came into the focus of research in 1990s. While the number of women who work outside the house is significantly increasing, they still have the responsibility of housekeeping and child rearing.

چکیده:

اگرچه حضور زنان در مشاغل مختلف افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما هم‌چنان بخش عمده‌ای از مسئولیت‌های خانه برعهده آنهاست. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل تأثیرگذار بر تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از تقسیم کار خانگی و تأثیر آنها بر رضایت زناشویی انجام شد.

✉ Corresponding Author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran.
Tel: +98021-88524757
Email: m.dehghani@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱۸۸۵۲۴۷۵۷

پست الکترونیکی: m.dehghani@sbu.ac.ir

This research aims to study household labor division and its determining factors, the perceived fairness of household labor division, and their impact on marital satisfaction. The statistical population of this study included all employed married women and housewives in Kamyaran, Kordestan Province, Iran. A group of 162 employed married women was selected through convenient sampling method, and 150 housewives through multi-cluster sampling method. A series of statistical analyses including Pearson correlation coefficient, t-test, partial correlation and regression analysis was used to study the relationship between the variables.

According to the results of the research, in women, there is a positive, but weak, relationship between household labor and marital satisfaction, but the relationship between perceived fairness of household labor and marital satisfaction is a stronger one. According to the model extracted from regression analysis, 16.9 percent of the variance of marital satisfaction can be accounted for by perceived fairness and 5.5 percent of the variance of household labor division can be explained by the work hours and husband's education variables.

Keywords: gender, gendered attitude, household labor division, marital satisfaction, perceived fairness.

۱۶۲ نفر از زنان شاغل با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و تعداد ۱۵۰ نفر از زنان خانه‌دار به وسیله روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان زنان متأهل شهرستان کامیاران انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی جزئی، آزمون t برای گروه‌های مستقل و رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج نشان دادند که بین تقسیم کار خانگی و رضایت زناشویی رابطه بسیار ضعیف، اما میان عدالت ادراک شده از کار خانگی و رضایت زناشویی رابطه قوی‌تری وجود دارد. مدل به دست آمده از تحلیل رگرسیون بیانگر این است که ۱۶/۹ درصد از کل تغییرات رضایت زناشویی توسط متغیرهای عدالت ادراک شده از کار خانگی و سطح تحصیلات و همچنین ۵/۵ درصد از کل تغییرات متغیر تقسیم کار خانگی توسط متغیرهای ساعات کاری و تحصیلات همسر تبیین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تقسیم کار خانگی، جنسیت، رضایت زناشویی، عدالت ادراک شده، نگرش جنسی.

مقدمه

زنان شاغل علاوه بر آن‌که در بیرون از خانه با مشکلات و مطالبات خاص شغلی خود مواجه هستند، پس از به اتمام رساندن یک روز کاری طاقت‌فرسا نیز باید شیفت کاری دوم، یعنی کار

خانگی، را آغاز کرده و به اتمام رسانند (هاچشیلد^۱، ۱۹۸۹؛ گرینستین، ۲۰۰۶). بدون تردید، ترکیب کار و خانواده هم برای زن و هم برای مرد دشوار است. اما این موضوع به ویژه برای زنان شاغل که باید شغلشان را با مسئولیت‌های خانواده تطابق دهند هزینه‌های روانی و اجتماعی سنگینی را در پی دارد (کرافورد، ۲۰۰۶: ۳۸۷). این مسئله می‌تواند به تعارض خانوادگی و شغلی و بروز علائم افسردگی (هیگینز و داکسبری، ۱۹۹۱: ۶۲، به نقل از بستان، ۱۳۸۳)، کاهش رضایت شغلی و خانوادگی (کریگ و ساوریکر، ۲۰۰۷) در نهایت به افزایش خطر برای تندرستی زوجین، عملکرد ضعیف‌تر در ایفای نقش والدینی و زناشویی، کج خلقی، سلامت روانی ضعیف‌تر و سرانجام تضعیف سازگاری ازدواج بینجامد (فیلدز و لاک، ۱۹۹۹: ۴۲۵؛ به نقل از بستان، ۱۳۸۳؛ کاوامورا و براون، ۲۰۱۰). زنان شاغل به ویژه، فشار کاری مضاعفی را متحمل می‌شوند که در درازمدت می‌تواند به فرسودگی و ادراک بی‌عدالتی در آن‌ها منجر شود (کوبینز^۲ و وانوی^۳، ۲۰۰۴؛ کلافی و میکلسون، ۲۰۰۹).

عدالت ادراک شده^۴ ارزیابی ذهنی فرد از برابری در یک رابطه دو نفره و یا بیشتر تعریف می‌شود و از تجارب پیشین فرد، ایدئولوژی و سرمایه‌ی انسانی شخص در رابطه با دیگری و قضاوت او درباره هزینه‌ها و پاداش‌ها تأثیر می‌پذیرد (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳). نظریه میجر چارچوب عدالت توزیعی^۵ را مطرح می‌کند که بر اساس آن سه عنصر کلیدی در ادراک عدالت دخیل هستند: ارزش دستاوردها، مرجع قیاس و توجیه. ارزش‌های پی‌آمده^۶ به اهداف فرد در روابط و انواع پی‌آمدهایی که ارزش می‌نهد (از جمله رسیدن به رضایت از رابطه)، مربوط می‌شود؛ مرجع مقایسه^۷، فرد یا گروهی است که شخص مورد نظر خود را با وی یا آن‌ها مقایسه می‌کند (مانند مقایسه وظایف شخصی در قیاس با وظایف همسر)؛ و توجیه^۸ عبارت است از صحیح و مناسب دانستن وضعیت موجود (برای مثال رضایت از رابطه دونفره).

تحقیقات بسیاری در خصوص تقسیم کار خانه، عدالت ادراک شده و ارتباط آن با رضایت زناشویی، تعارض زوجین و طلاق به عمل آمده است (به طور مثال، گرینستین، ۲۰۰۶؛ فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۴). ۹۶/۶٪ از زنانی که تقسیم کار خانگی را ناعادلانه می‌دانند، بخش اعظم یا تمامی کار خانگی را انجام می‌دهند. هم‌چنین، ۴۲/۹٪ از مردانی که گزارش کرده‌اند که بیش از سهم عادلانه خود در کار خانگی مشارکت می‌کنند، تقریباً نصف کارهای خانه را انجام می‌دهند. ۶۲/۵٪ از زنانی که تقسیم کار خانگی را برای خود عادلانه می‌دانند، قسمت بیشتر یا تمامی کارها را انجام می‌دهند. در نقطه مقابل، مردانی که تقسیم کار خانگی را برای خود عادلانه می‌دانند، کمتر از نصف کارها را انجام می‌دهند و یا اصلاً در کار خانگی مشارکت نمی‌کنند. تنها حدود یک سوم از مردان و زنانی که تقسیم کار خانگی را عادلانه می‌پندارند، انجام نصف کار خانگی را گزارش کرده‌اند (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳). ارزیابی زنان از «کیفیت رابطه زناشویی» بر ویژگی‌های رابطه (هم‌چون احترام متقابل، تعهد،

عمل متقابل و حمایت‌گری که همگی در ادراک فرد از عدالت مؤثرند) مبتنی است و نه ارزیابی‌های مبتنی به رفتار عینی (برای مثال سهم او در تقسیم کار) طرف مقابل (بستان، ۱۳۸۵). بنابراین می‌توان گفت تقسیم کار خانه به تنهایی نمی‌تواند دیدگاه فرد را از کیفیت رابطه متأثر سازد، بلکه چنانچه این رابطه به طور کلی ناعادلانه ادراک شود کیفیت رابطه را متأثر خواهد ساخت. این مسئله در پژوهش لنون و روزنفیلد (۱۹۹۴) نشان داده شد که علی‌رغم نابرابری‌های فراگیر مبتنی بر جنسیت در تقسیم کار خانه، بسیاری از زنان این نابرابری‌ها را بی‌عدالتی تلقی نمی‌کنند و عدالت ادراک شده از سوی زنان در مورد تقسیم کار خانه است که بر کیفیت ازدواج و رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. اکثر مطالعات مربوط به تقسیم کار خانه بیانگر این است که عادلانه پنداشتن مناسبات کار خانه از سوی زنان با رضایت زناشویی رابطه‌ای مثبت (بینا و بینگستون، ۱۹۹۳؛ سویتور، ۱۹۹۱؛ به‌نقل از فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳) و با تعارضات زناشویی رابطه‌ای منفی دارد (کلووبر، هیسینک و وندی ولیرت، ۱۹۹۷). بر این اساس می‌توان گفت ادراک فرد از عدالت موجود در تقسیم وظایف خانگی می‌تواند بر رابطه میان تقسیم عینی وظایف و رضایت زناشویی مؤثر باشد.

با توجه به آن‌چه ذکر شد مطالعه حاضر به بررسی عوامل تعیین‌کننده تقسیم کار خانگی میان زوجین، ادراک زنان از عادلانه بودن تقسیم کار و تأثیر آن‌ها بر رضایت زناشویی خواهد پرداخت.

طرح پژوهش:

این مطالعه از نوع زمینه‌یابی - همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل شاغل و خانه‌دار در شهرستان کامیاران تشکیل می‌دهند. ۱۶۲ زن شاغل با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و ۱۵۰ زن خانه‌دار به وسیله روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در محله نخست پرسشنامه‌ها میان زنان شاغل توزیع شد. با توجه به تعداد کم زنان شاغل در شهرستان کامیاران امکان استفاده از نمونه‌گیری تصادفی وجود نداشت و لذا از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. این نمونه از میان زنان شاغل در بیمارستان سینا، درمانگاه‌ها، و تمامی مدارس دخترانه دبستان تا پیش‌دانشگاهی انتخاب شد. ۱۸۰ پرسشنامه در میان زنان شاغل واجد شرایط توزیع شد که از این تعداد ۱۷۰ پرسشنامه بازگردانده شد که ۸ تای آن‌ها به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند و در نهایت ۱۶۲ پرسشنامه باقی ماند. نمونه زنان خانه‌دار نیز به همین تعداد جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری در این گروه به روش خوشه‌ای اجرا شد. روش اجرای نمونه‌گیری به این صورت بود که در مرحله نخست شهرستان به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز تقسیم شد؛ از هر منطقه چند محله و از هر محله چند بلوک به

صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از هر بلوک تعدادی خانوار به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. برای انتخاب خانوارها در هر بلوک، در جهت عقربه‌های ساعت خانه‌ها را شمارش شدند و با رسیدن به پنجمین خانه، اولین خانوار انتخاب می‌شد. خانوارهای بعدی نیز به همین ترتیب با فاصله‌ی ۵ خانه از خانه‌ی قبلی انتخاب شدند. چنان‌چه خانوار انتخاب شده در منزل حضور نداشت پرسشنامه به همسایه تحویل داده می‌شد. بدین ترتیب از ۱۷۰ پرسشنامه ۱۶۰ تا بازگردانده شد و از میان آن‌ها ۱۰ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن حذف و در نهایت ۱۵۰ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

دامنه سنی زنان خانه‌دار شرکت‌کننده ۵۰-۱۷ و میانگین سنی ۲۹ سال بود. بیش از نیمی از زنان خانه‌دار سطح تحصیلات دیپلم را دارا بودند، و حدود ۷ درصد فوق دیپلم و لیسانس داشتند. طول مدت ازدواج آن‌ها به طور متوسط ۱۰ سال بود. در مورد زنان شاغل دامنه سنی بین ۱۹ تا ۵۰ سال با میانگین ۳۲ سال بود. حدود ۱۵ درصد زنان شاغل دارای تحصیلات دیپلم، ۴۹ درصد فوق دیپلم، و ۳۶ درصد لیسانس و بالاتر داشتند. میانگین طول مدت ازدواج آن‌ها نیز ۹/۷ بود.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: در پژوهش حاضر برای بررسی وضعیت رضامندی زناشویی نمونه پژوهش از پرسشنامه ۱۱۵ سوالی رضایت زناشویی انریچ P^۱ استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۲ خرده مقیاس است که عبارتند از: رضایت زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزند و فرزندپروری، خانواده و دوستان، تحریف آرمانی، مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی. برای هر یک از سؤال‌های این پرسشنامه ۵ گزینه (همیشه، اغلب اوقات، نمی‌دانم، خیلی کم و هیچ‌وقت) در نظر گرفته شده که نمره‌گذاری آن به صورت ۰ تا ۴ است و نمره بالاتر نشانه رضایتمندی بیشتر است (به‌نقل از ثنایی، ۱۳۸۷). اولسون، فورنیر و دراکمن در سال ۱۹۸۹ ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه را از ۰/۴۸ برای خرده‌مقیاس رابطه جنسی تا ۰/۹ برای خرده‌مقیاس تحریف آرمانی ذکر کردند. در پژوهش مهدویان نیز پایایی پرسشنامه با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۴ گزارش شده و ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مقیاس رضایت خانوادگی ۰/۴۱ بوده است که نشان می‌دهد این پرسشنامه از روایی ملاکی بالایی برخوردار است (به‌نقل از ثنایی، ۱۳۸۷).

پرسشنامه مشارکت نسبی در کار خانه و فرزندپروری: این مقیاس یک پرسشنامه محقق ساخته است. محققین مقالات خارجی را مطالعه و گویه‌هایی را که در تحقیقات مختلف برای ارزیابی نحوه تقسیم کارهای خانواده طراحی شده بود، اقتباس نمودند. در مرحله بعد، بر اساس نظر

متخصصین، گویه‌ها تحلیل و مناسب‌ترین آن‌ها انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در برخی از گویه‌ها تغییراتی ایجاد شد و بر اساس فرهنگ ایران بومی‌سازی شد (به طور مثال، گویه شماره ۱۲، انجام تعمیرات جزئی در خانه). همچنین، گویه‌های شماره‌ی ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ توسط محققین و نظر متخصصان به ۱۳ گویه‌ای که از مقالات خارجی استخراج، ترجمه و بومی‌سازی شد، اضافه گردید. این پرسشنامه در مجموع از ۱۷ سؤال تشکیل شده است که کارهای عرفاً «زنانه» مثل آشپزی و نظافت خانه، کارهای عرفاً «مردانه» هم‌چون تعمیرات جزئی در خانه و کارهای اتومبیل و رسیدگی به امور فرزندان را پوشش می‌دهد. روش نمره‌گذاری از نوع مقیاس لیکرتی (۵ درجه‌ای) است. نمره‌ها بین ۱ (همیشه) و ۵ (هیچ‌وقت/به‌ندرت) قرار دارند. نمرات بیشتر بیانگر مشارکت کمتر زن در کارهای خانه است. همچنین همسانی درونی گویه‌های این پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ به دست آمد که بیانگر پایایی بالای پرسشنامه می‌باشد؛ به علاوه، این گویه‌ها به منظور تعیین اعتبار سازه مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.

پرسشنامه عدالت ادراک شده از کار خانگی: این مقیاس نیز یک پرسشنامه محقق ساخته است که روش نمره‌گذاری آن از نوع مقیاس لیکرت (۵ درجه‌ای) است. نمره‌ها بین ۱ (برای من بسیار ناعادلانه است) و ۵ (برای من بسیار عادلانه است) قرار دارد. بنابراین، هرچقدر که نمره فرد بالاتر باشد، بدین معناست که از نحوه تقسیم وظایف بین خود و همسرش رضایت بیشتری داشته و کمتر احساس بی‌عدالتی می‌کند. جهت ارزیابی اعتبار این پرسشنامه نیز از اعتبار محتوایی استفاده شد که توسط ۵ تن از اساتید فوق‌الذکر تعیین گردید. بنابر نظر اساتید، پاره‌ای تغییرات در برخی از گویه‌های این پرسشنامه اعمال گردید. برای محاسبه پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بر روی افراد نمونه استفاده شده است. همسانی درونی گویه‌های این پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ به دست آمد. به علاوه، این گویه‌ها به منظور تعیین اعتبار سازه مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.

پرسشنامه باورهای نقش جنسیتی: این مقیاس نیز یک پرسشنامه محقق ساخته است که از ۱۶ گویه تشکیل شده است. هدف این پرسشنامه سنجش باورهای مساوات‌طلبی در خصوص نقش‌های زن و مرد است. در ساخت این پرسشنامه، از تحقیقات خارجی فراوانی استفاده گردید. محققین تمامی گویه‌های مربوط به باورهای نقش جنسیتی را در مقالات خارجی استخراج و آن‌ها را به دقت مطالعه نمودند. برخی از این گویه‌ها بدون تغییر به زبان فارسی ترجمه و برخی دیگر نیز بومی‌سازی شدند. از آن‌جا که تحقیقات خارجی عمدتاً در بافت کشورهای اروپایی و آمریکایی انجام شده بود، گویه‌های مربوط به نگرش جنسیتی در آن‌ها تمامی جنبه‌های فرهنگی و مذهبی ایران را در بر نمی‌گرفت. بنابراین، محققین با کمک متخصصان چندین گویه را به این پرسشنامه اضافه نمودند (گویه شماره ۵ - ادامه تحصیل زن باید با اجازه شوهرش باشد، ۶- زن تحت هر شرایطی باید به زندگی زناشویی

خود ادامه داده و شوهر و فرزندانش را ترک نکنند، ۷- به نظر من زن نیز باید حق طلاق داشته باشد، ۹- اشتغال زن باید با اجازه‌ی شوهرش باشد، ۱۲- به طور کلی زن از مرد ضعیف‌تر است و بدون او نمی‌تواند خود را اداره کند، ۱۳- به نظر من زن و مرد باید به یک اندازه از حق ارث برخوردار باشند و ۱۶- تعاملات اجتماعی زن در بیرون از خانه باید با اجازه شوهرش باشد).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی جزئی، آزمون t برای گروه‌های مستقل و رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در دو قسمت: یافته‌های حاصل از اجرای تحلیل عاملی و یافته‌های مرتبط با آزمون فرضیات پژوهش ارائه می‌شود.

تحلیل عاملی پرسشنامه مشارکت نسبی در کار خانگی

نخستین گام در جهت اجرای تحلیل عاملی بر روی مجموعه‌ای از ماده‌ها، اجرای تست‌های KMO و کرویت بارتلت می‌باشد. بدین شکل که اگر آزمون KMO بالاتر از ۰/۷۰ و آزمون بارتلت معنادار باشد، شروط اولیه برای کفایت نمونه و اجرای تحلیل عاملی مهیا است. آزمون بارتلت با درجه آزادی ۱۳۶ در سطح $P=۰/۰۰۱$ معنادار، و آزمون KMO معادل ۰/۷۹۲ به دست آمد و بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند.

۱۷ ماده پرسشنامه مشارکت نسبی در کار خانه و فرزندپروری توسط تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌ی اصلی^۹ مورد بررسی قرار گرفت. نقطه برش انتخاب شده در این تحلیل ۳۰ صدم انتخاب شد. بدین ترتیب، ۴ عامل حاصل گردید، اما از آنجا که آخرین مقدار ویژه^{۱۰} مقدار قابل توجهی به واریانس اضافه نکرد و هم‌چنین نمودار اسکری^{۱۱} از آن پشتیبانی ننمود، راه حل ۳ عاملی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان دادند که سه عامل با مقدار ویژه بالای یک در مجموع قادر به توجیه ۵۸/۸ درصد واریانس می‌باشند. به دلیل وجود بارهای مضاعف در برخی ماده‌ها، نقطه برش از ۳۰ به ۴۰ افزایش داده شد تا عوامل با بارهای مضاعف حذف شوند و این مشکل رفع گردد که در نهایت تمام مواد این پرسشنامه تنها بر روی یکی از سه عامل قرار گرفتند.

با بررسی محتوای عوامل، عامل اول «وظایف زنانه» نامیده شد. این عامل حاوی ۹ ماده است که به آن دسته از کارهای خانه مرتبط هستند که عمدتاً توسط زنان انجام می‌شوند. عامل دوم آن دسته از وظایفی را شامل می‌شود که مسئولیت آن‌ها عمدتاً بر عهده مردان است؛ بنابراین عامل دوم،

«وظایف مردانه» نامیده شد که از ۵ ماده تشکیل شده است. سومین عامل وظایفی را در بر می‌گیرد که زن و شوهر به طور مشترک آن‌ها را انجام می‌دهند، لذا «وظایف مشترک» نام گرفت که متشکل از ۳ ماده است. پس از به دست آمدن مواد موجود در هر عامل، ضرایب آلفای کرونباخ آن‌ها محاسبه شد که برای سه عامل «وظایف زنانه»، «وظایف مردانه» و «وظایف مشترک» به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۶، و ۰/۷۱ به دست آمد.

تحلیل عاملی پرسشنامه عدالت ادراک شده از کار خانگی

آزمون بارتلت با درجه آزادی ۱۳۶ در سطح $P=0/001$ معنادار، و آزمون KMO معادل ۰/۹۲۳ به دست آمد و بنابراین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند. ۱۷ ماده پرسشنامه عدالت ادراک شده از کار خانه و فرزندپروری توسط تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌ی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. نقطه برش انتخاب شده در این تحلیل ۳۰ صدم انتخاب شد. بدین ترتیب دو عامل حاصل گردید. نتایج دو عامل را با مقدار ویژه بالای یک نشان داد که در مجموع قادر به توجیه ۷۴/۴ درصد واریانس بودند. به دلیل وجود بارهای مضاعف در برخی ماده‌ها، نقطه برش از ۳۰ به ۴۰ افزایش داده شد تا عوامل با بارهای مضاعف حذف شوند و این مشکل رفع گردد که در نهایت تمام مواد این پرسشنامه تنها بر روی یکی از دو عامل قرار گرفتند. با بررسی محتوای عوامل، عامل اول «عدالت ادراک شده از کار خانگی» نامیده شد. این عامل از ۱۰ ماده تشکیل شده است که تمامی وظایف زنانه و مردانه منهای امور فرزندان را در بر می‌گیرد. عامل دوم که «عدالت ادراک شده از مسئولیت در قبال فرزندان» نام گرفت، مشتمل بر ۷ ماده می‌باشد و به امور فرزندان مرتبط است. پس از به دست آمدن مواد موجود در هر عامل، ضرایب آلفای کرونباخ آن‌ها محاسبه شد که برای دو عامل «عدالت ادراک شده از کار خانگی» و «عدالت ادراک شده از مسئولیت در قبال فرزندان» به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۶ به دست آمد که قابل قبول هستند.

مشارکت نسبی در خانه و فرزندپروری

بر اساس گزارش زنان شرکت‌کننده در مطالعه، زنان شاغل ۸۱/۴ درصد و زنان خانه‌دار ۸۸/۴ درصد از وظایف زنانه را همیشه یا اکثر مواقع خود به تنهایی انجام می‌دهند که تفاوت چشمگیری میان آن‌ها وجود ندارد. همچنین زنان شاغل ۱۳ درصد و زنان خانه‌دار ۱۴/۷ درصد از وظایف مردانه را همیشه یا اکثر مواقع به تنهایی انجام می‌دهند. همین‌طور ۴۴ درصد از زنان شاغل و ۳۸ درصد از زنان خانه‌دار وظایف مشترک را همیشه یا اکثر مواقع خود به تنهایی انجام می‌دهند و به ترتیب ۳۴ و ۳۲ درصد از زنان شاغل و خانه‌دار این وظایف را به طور یکسان با همسر خود تقسیم می‌کنند.

نتایج جداول شماره ۱ که همبستگی بین مشارکت در کار خانگی و متغیرهای جمعیت شناختی را نشان می‌دهد، بیانگر این است که در زنان شاغل بین میزان تحصیلات و مشارکت در کار خانه، تعداد فرزندان و مشارکت در کار خانه (در سطح $p \leq 0.05$)، میزان تحصیلات همسر و مشارکت در کار خانه (در سطح $p \leq 0.01$) رابطه معنادار می‌باشد؛ به عبارتی، با بالا رفتن سطح تحصیلات در زنان شاغل، میزان مشارکت همسر آن‌ها در کارهای خانه افزایش می‌یابد و هر چقدر تعداد فرزندان افزایش می‌یابد، مشارکت زنان شاغل در کارهای خانه نیز بیشتر می‌شود؛ هم‌چنین، همسران زنان شاغل هر چقدر که دارای سطح تحصیلات بالاتری باشند، به میزان بیشتری در کارهای خانه مشارکت خواهند نمود.

جدول ۱: ضریب همبستگی پیرسون برای مشارکت در کارهای خانه و تحصیلات، درآمد، ساعات کاری و تعداد فرزندان در زنان شاغل

سن	تعداد فرزندان		ساعات کاری		درآمد		تحصیلات		مشارکت در کارهای خانه	
	شوهر	زن	شوهر	زن	شوهر	زن	شوهر	زن		
۱۵۵	۱۵۶	--	۱۵۵	۱۵۱	۱۵۶	۱۵۱	۱۵۵	۱۵۷	تعداد	
-۰/۰۱۹	-۰/۱۴۹	--	-۰/۱۷۷	۰/۰۶۷	۰/۰۵۶	-۰/۰۴۳	۰/۰۷۹	۰/۲۱۸	۰/۱۷۲	ضریب همبستگی
۰/۸۱۸	۰/۰۶۴	--	۰/۰۲۸	۰/۴۱۳	۰/۴۹۱	۰/۵۹۸	۰/۳۳۰	۰/۰۰۶	۰/۰۳۱	سطح معناداری

اما میان درآمد، تعداد ساعات کاری، سطح درآمد همسر، تعداد ساعات کاری همسر، سن، سن همسر و مشارکت در کار خانه رابطه‌ای وجود ندارد. به بیان دیگر، صرف نظر از این که زنان شاغل چند سال داشته و چقدر درآمد دارند، تقسیم وظایف خانه میان آن‌ها و شوهرشان تغییری نخواهد کرد و تعداد ساعات کاری آن‌ها هر قدر که باشد، میزان مشارکت آن‌ها در کارهای خانه بدون تغییر باقی خواهد ماند. هم‌چنین، تعداد ساعات کاری همسر و سن وی نیز تغییری را در مناسبات کار خانه در پی نخواهد داشت. در نقطه مقابل، در زنان خانه‌دار، هیچ‌یک از متغیرهای تحصیلات، تعداد فرزندان، سن، تحصیلات همسر، درآمد همسر، ساعات کاری همسر و سن همسر با مشارکت در کارهای خانه رابطه نداشتند.

همبستگی جزئی تقسیم کار خانگی با رضایت زناشویی محاسبه شد که با توجه به آن میزان همبستگی بین مشارکت در کار خانه و رضایت زناشویی با کنترل اثر متغیرهای تحصیلات، سن همسر، عدالت ادراک شده و نگرش جنسیتی 0.111 به دست آمد. میزان همبستگی بین عدالت ادراک شده و رضایت زناشویی نیز با کنترل اثر متغیرهای مشارکت در کار خانه، نگرش جنسیتی، تحصیلات و سن همسر 0.292 می‌باشد. به منظور تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده تقسیم کار خانگی

از مدل رگرسیون گام به گام استفاده گردید (جدول ۲). تنها دو متغیر ساعات کاری و تحصیلات همسر باقی ماندند و متغیرهای سن، تحصیلات، سن همسر، ساعات کاری همسر، درآمد همسر، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان و نگرش جنسیتی از مدل خارج شدند. جدول شماره ۲ دو مدل را پیشنهاد می‌کند.

جدول ۲: نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پیش‌بینی تقسیم کار خانگی بر اساس ساعات کاری و متغیرهای دموگرافیک

معناداری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل‌ها	
			Std. Error	B		
۰/۰۰۱	۳/۳۲۷	۰/۱۹۶	۰/۰۲۷	۰/۰۹۰	ساعات کاری	۱
۰/۰۱۸	۲/۳۷۲	۰/۱۴۸	۰/۰۲۹	۰/۰۶۸	ساعات کاری	۲
۰/۰۲۶	۲/۲۴۰	۰/۱۳۹	۰/۱۵۲	۰/۳۴۰	تحصیلات مادر	

*متغیر وابسته، تقسیم کار خانگی است.

در مدل اول تنها یک متغیر مستقل (ساعات کاری) و در مدل دوم دو متغیر مستقل (ساعات کاری و تحصیلات همسر) وجود دارند که ضریب بتا در آن‌ها معنادار هستند. از آن‌جا که مدل دوم در بردارنده متغیرهای مستقل بیشتری است، مناسب‌تر بوده و مبنای معادله‌ی رگرسیونی قرار می‌گیرد. بر اساس جدول شماره ۲ می‌توان دو نوع معادله رگرسیون برای مدل دوم (مدل بهینه) استخراج کرد که به شرح زیر هستند:

معادله اول:	تقسیم کار خانگی =	+۳۷/۸۲۶	+۰/۳۴۰ تحصیلات همسر +	۰/۰۶۸ ساعات کاری
معادله دوم:	تقسیم کار خانگی =	۰/۱۳۹ تحصیلات همسر +		۰/۱۴۸ ساعات کاری

معادله اول دارای عرض از مبدا ($B=37/826$) است و متغیر تقسیم کار خانگی به ازای یک واحد افزایش در میزان ساعات کاری و همچنین تحصیلات همسر به اندازه $38/234$ (مجموع ضرایب متغیرهای مستقل و عرض از مبدا) واحد افزایش می‌یابد. معادله دوم دارای ضرایب استاندارد شده (β) است و در نتیجه عرض از مبدا آن صفر است و متغیر تقسیم کار خانگی به ازای یک واحد افزایش در ساعات کاری و همچنین تحصیلات همسر به اندازه $0/287$ (مجموع ضرایب استاندارد شده متغیرهای مستقل) واحد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین برای متغیر تقسیم کار خانگی $0/038$ به دست آمد؛ به عبارت دیگر متغیر ساعات کاری به تنهایی توانسته است $3/8$ درصد از تغییرات تقسیم کار خانگی را تبیین کند. با اضافه شدن تحصیلات همسر به متغیر ساعات کاری،

میزان ضریب تعیین، افزایش یافته و به ۰/۰۵۵ می‌رسد؛ به عبارت دیگر، ۵/۵ درصد از کل تغییرات متغیر تقسیم کار خانگی توسط متغیرهای ساعات کاری و تحصیلات همسر تبیین شده است. به منظور مشخص نمودن عوامل پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی از مدل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳: نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس عدالت ادراک شده و متغیرهای دموگرافیک

معناداری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل‌ها	
			Std. Error	B		
۰/۰۰۰۱	۶/۶۷۹	۰/۳۵۸	۰/۴۹۲	۳/۲۸۷	عدالت ادراک شده	۱
۰/۰۰۰۱	۷/۲۴۷	۰/۳۸۳	۰/۴۸۵	۳/۵۱۵	عدالت ادراک شده	۲
۰/۰۰۰۱	۳/۸۳۲	۰/۲۰۳	۰/۸۷۰	۳/۳۳۵	سطح تحصیلات	

* متغیر وابسته، رضایت زناشویی است.

در ابتدا متغیرهایی که با رضایت زناشویی همبستگی داشتند وارد مدل رگرسیون گام به گام شدند، اما از آن‌جا که این مدل از رگرسیون متغیرهایی را که دارای بتای معنادار نیستند، حذف می‌کند، تنها دو متغیر عدالت ادراک شده و سطح تحصیلات باقی ماندند و متغیرهای سن همسر، مشارکت در کار خانگی و نگرش جنسیتی خارج شدند. جدول شماره ۳ دو مدل را پیشنهاد می‌کند: در مدل اول تنها یک متغیر مستقل (عدالت ادراک شده) و در مدل دوم دو متغیر مستقل (عدالت ادراک شده و سطح تحصیلات) وجود دارند که بتاهای آن‌ها معنادار هستند. از آن‌جا که مدل دوم در بردارنده‌ی متغیرهای مستقل بیشتری است، مناسب‌تر بوده و مبنای معادله‌ی رگرسیونی قرار می‌گیرد.

بر اساس جدول شماره ۳، دو نوع معادله رگرسیون می‌توان برای مدل دوم (مدل بهینه) استخراج کرد: ضریب تعیین برای متغیر عدالت ادراک شده برابر ۰/۱۲۸ است؛ به عبارت دیگر متغیر عدالت ادراک شده توانسته است ۱۲/۸ درصد از کل تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین کند. در مدل دوم با اضافه شدن متغیر تحصیلات به عدالت ادراک شده، میزان ضریب تعیین افزایش یافته و به ۰/۱۶۹ می‌رسد؛ به عبارت دیگر ۱۶/۹ درصد از کل تغییرات متغیر رضایت زناشویی توسط متغیرهای عدالت ادراک شده و تحصیلات تبیین شده است.

نتایج آزمون t برای گروه‌های مستقل حاکی از آن است که میان زنان شاغل و خانه‌دار در متغیر نگرش جنسیتی تفاوت معناداری وجود دارد ($t(303) = -5/183, P < 0/0001$). میانگین زنان شاغل در نگرش جنسیتی ۵۲/۶۵ و میانگین زنان خانه‌دار در این متغیر ۴۷/۵۱ می‌باشد؛ بنابراین

می‌توان گفت که زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار بیشتر دارای نگرش جنسیتی مساوات‌طلب هستند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل تأثیر گذار بر تقسیم کار خانگی میان زوجین و نیز تأثیر ادراک زنان از تقسیم کار بر رضایت زناشویی آنان بوده است. پس از بررسی عوامل مختلف مشخص شد که عامل ساعات کاری و سطح تحصیلات همسر بر تقسیم کار خانه میان زوجین تأثیرگذار هستند. نتایج این تحقیق هم‌چنین حاکی از آن است که تقسیم کار خانگی تأثیری بر روی رضایت زناشویی ندارد، بلکه عدالت ادراک شده از تقسیم کار و سطح تحصیلات زنان رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همسو با سایر تحقیقات (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳؛ بلر، ۱۹۹۸؛ گرینستین، ۱۹۹۶؛ لنون و روزنفلد، ۱۹۹۴) در این پژوهش نیز مشخص گردید که میان تقسیم کار خانگی و رضایت زناشویی رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد، اما در عوض میان عدالت ادراک شده از کار خانگی و رضایت زناشویی رابطه به مراتب قوی‌تر می‌باشد. بنابراین در این پژوهش نیز این فرضیه که تقسیم کار خانگی به خودی خود تأثیری بر رضایت زناشویی ندارد، به طور ضمنی مورد تأیید واقع می‌شود. همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، تنها دو متغیر عدالت ادراک شده از کار خانگی و تحصیلات پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی هستند و در این میان تقسیم کار خانگی سهمی ندارد. عدالت ادراک شده خود به تنهایی ۱۲/۸ درصد از کل تغییرات متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند که با اضافه شدن متغیر سطح تحصیلات به مدل رگرسیون این میزان به ۱۶/۹ درصد افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر ۱۶/۹ درصد از کل تغییرات متغیر رضایت زناشویی توسط متغیرهای عدالت ادراک شده و سطح تحصیلات تبیین می‌شود. بنابراین تقسیم کار خانگی به احتمال زیاد از طریق عدالت ادراک شده و سطح تحصیلات بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد؛ به عبارتی، در صورتی نابرابری در تقسیم کار خانگی رضایت زناشویی زن را کاهش می‌دهد که احساس کند در حقش بی‌عدالتی شده است و نیز از تحصیلات بالایی برخوردار باشد.

در رابطه با تقسیم کار خانگی سه نظریه منابع نسبی - تبادل، محدودیت وقت و رویکرد جنسیت و هم‌چنین در خصوص عدالت ادراک شده، چارچوب عدالت توزیعی مطرح شد که صحت و کاربرد آن‌ها در این پژوهش خواهد آمد. بر اساس نظریه منابع نسبی - تبادل، عواملی هم‌چون درآمد، سطح تحصیلات و پایگاه شغلی تعیین می‌کنند که چه کسی چقدر از کارهای خانه را انجام دهد. در این پژوهش، از میان متغیرهای درآمد، درآمد همسر، سطح تحصیلات و سطح تحصیلات همسر، تنها میزان تحصیلات همسر بود که به میزان کمی تغییرات متغیر تقسیم کار خانگی را تبیین می‌کرد.

بنابراین، با توجه به این که زنان صرف نظر از میزان تحصیلات و درآمدی که داشتند، باز هم مسئول انجام بخش عمده کارهای خانه بودند، یافته‌های این پژوهش از نظریه‌ی منابع نسبی - تبادل حمایت چندانی نمی‌کند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات کورمن (۱۹۸۵)، و کامو^{۱۲} (۱۹۸۸) همسو می‌باشد؛ اما با نتایج تحقیقات بلر و لیکتر (۱۹۹۱)، تامپسون و واکر (۱۹۸۹)، و کیگر و ریلی (۱۹۹۶) که نشان می‌دهد بین منابع نسبی زوجین و مشارکت آن‌ها در کار خانگی رابطه وجود دارد، همخوانی ندارد. بنابراین، یافته‌های حاصل از این پژوهش رویکرد محدودیت وقت را به طور ضعیفی مورد حمایت قرار می‌دهد که با نتایج پژوهش کیگر و ریلی (۱۹۹۶) همسو می‌باشد؛ اما با نتایج تحقیقات شلتون (۱۹۹۲) و کورمن (۱۹۸۵) همخوانی ندارد.

مدل ایدئولوژی جنسیتی بیان می‌دارد که نحوه نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی عامل تعیین کننده در تقسیم کار خانگی محسوب می‌شود. زن و شوهرهایی که بیشتر دارای ایدئولوژی جنسیتی تساوی طلبانه هستند، به همان نسبت نیز تقسیم کار برابرتری خواهند داشت؛ در نقطه مقابل، هر چقدر که ایدئولوژی جنسیتی زوجین سنتی‌تر باشد، مردها کمتر در کار خانگی مشارکت می‌نمایند. در این پژوهش تنها زنان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، بنابراین در مورد نگرش جنسیتی همسران آن‌ها اطلاعی در دست نیست. ممکن است نگرش جنسیتی زن به تنهایی در چگونگی تقسیم وظایف خانواده بسیار تعیین کننده نباشد، بلکه تعامل نگرش جنسیتی زن و شوهر باشد که تعیین کند چه کسی چه کاری را و به چه میزان انجام دهد. از آن جا که در پژوهش حاضر، نحوه نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی در زنان تأثیری بر تقسیم کار خانگی نداشت، این رویکرد مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

در دو دهه‌ی اخیر نظریه‌های سازه جنسیت^{۱۳} به وجود آمده‌اند که نگرش تعاملی بیشتری را در مقایسه با نظریات فوق‌الذکر دارند. براساس این نظریه‌ها، زنان و مردان هر یک وظایف متفاوتی را در خانه انجام می‌دهند تا بدین وسیله «خود جنسیتی»شان را نشان داده و آن را دوباره تأیید کنند. رویکرد سازه جنسیت در رابطه با برخی از محدودیت‌های رویکردهای پیشین سودمند واقع شده است؛ یکی از این محدودیت‌ها این است که چرا بین نظریات پیشین و یافته‌های تجربی ناهمخوانی وجود داشته و چرا تقسیم کار مبتنی بر جنسیت هم‌چنان تداوم می‌یابد (در پژوهش حاضر نیز این مسئله صادق است). همان‌طور که نتایج تحقیق مانینو و داچ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد و یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید آن است، حتی وقتی زنان به اندازه همسر خود درآمد داشته، به اندازه او کار می‌کنند و معتقد به ایدئولوژی جنسیتی مساوات طلبانه هستند، باز هم بیشتر از شوهر خود در کارهای خانه مشارکت می‌کنند.

نظریه چارچوب عدالت توزیعی در رابطه با این که چرا اکثر زنان تقسیم نابرابر کار خانگی را برای

خود ناعادلانه نمی‌دانند، ارائه گردید. براساس این نظریه سه عنصر کلیدی در ادراک عدالت دخیل هستند: ارزش‌های پی‌آمد، مرجع قیاس و توجیه. ارزش‌های پی‌آمد به آن‌چه فرد انتظار دارد از یک رابطه به دست آورد، مربوط می‌شود. برای بعضی از زنان داشتن روابط گرم و صمیمی با همسر خود و حفظ کانون خانواده از هر چیزی مهم‌تر است. آن‌ها حتی اگر از نحوه تقسیم وظایف در خانواده ناراضی باشند، از بیم این‌که مبدا خانواده دچار بحران شود، شوهر خود را برای مشارکت بیشتر در کارهای خانه، تحت فشار قرار نمی‌دهند. در پژوهش حاضر مکانیسم ارزش‌گذاری مورد بحث قرار نگرفته است، اما می‌توان چنین استنباط کرد که احتمالاً ارزش‌های پی‌آمد برای زنان شاغل و خانه‌دار یکسان نباشد؛ زنان شاغل ممکن است به شغل و استقلال خود اهمیت بیشتری بدهند تا این‌که خود را کاملاً وقف خانواده نمایند. از آن‌جا که زنان شاغل باز هم مسئولیت بخش عمده وظایف خانواده را برعهده دارند، ممکن است نتوانند وقت و انرژی کافی برای شغل خود کنار بگذارند و وقتی که نتوانند مطالبات شغلی خود را برآورده نمایند، تقسیم کار خانه را برای خود ناعادلانه تلقی کنند (لازم به ذکر است که زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار تقسیم کار خانگی را برای خود بیشتر ناعادلانه می‌دانستند که نتایج آن در این‌جا ذکر نگردید).

مرجع قیاس، فرد یا گروهی از افراد است که زنان مشارکت خود در کار خانگی را با آن‌ها مقایسه می‌کنند. گرینستین (۱۹۹۶) بیان می‌دارد که زنان متأهل با ایدئولوژی جنسیتی مختلف از مرجع‌های قیاسی متفاوتی استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار بیشتر دارای نگرش جنسیتی مساوات‌طلبانه بودند؛ بنابراین احتمالاً زنان شاغل خود را با همسر یا به طور کلی دیگر مردان مقایسه می‌نمایند که در نتیجه آن، وضعیت نابرابر خود را ناعادلانه می‌دانند؛ اما زنان خانه‌دار که بیشتر دارای ایدئولوژی جنسیتی سنتی بودند، احتمالاً خود را با دیگر زنان متأهل مقایسه نموده و وقتی تفاوت چندانی میان وضعیت خود و آن‌ها احساس نمی‌کنند، کمتر احتمال دارد که وضعیت خود را ناعادلانه تلقی کنند. لازم به ذکر است که در این پژوهش مرجع قیاس به طور مستقیم اندازه‌گیری نشده است؛ بنابراین با قاطعیت نمی‌توان در مورد این مکانیسم به نتیجه‌گیری پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| 1. Houchschild | 8. Justification |
| 2. Cubbins | 9. Principal component analysis |
| 3. Vannoy | 10. Eigenvalue |
| 4. Perceived fairness | 11. Scree Plot |
| 5. Distributive Justice Framework | 12. Kamo |
| 6. Outcome values | 13. Gender construct theories |
| 7. Comparison referents | |

منابع

- بستان، ح. (۱۳۸۵). بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی. *مجله پژوهش زنان*، ۴، (۱ و ۲)، ۵-۳۱.
- ثنایی، ب (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- Blair, S. L. (1998). Work roles, domestic roles, and marital quality: Perceptions of fairness among dual-earner couples. *Social Justice Research, 11(3)*, 313-335.
- Blair, S. L., & Lickter, D. T. (1991). Measuring the division of household labor: Gender segregation of housework among American couples. *Journal of Family Issues, 12(1)*, 91-113.
- Claffey, S. T., & Mickelson, K. D. (2009). Division of household labor and distress: The role of perceived fairness for employed mothers. *Sex roles, 60(11)*, 819-831.
- Coverman, S. (1985). Explaining husband's participation in domestic labor. *Sociological Quarterly, 26(1)*, 87-91.
- Cubbins, A., & Vannoy, D. (2004). Division of household labor as a source of contention for married and cohabiting couples in metropolitan Moscow. *Journal of Family Issues, 25(2)*, 182-215
- Craig, L., & Sawrikar, P. (2007). *Housework and divorce: The division of domestic labor and relationship breakdown in Australia* [On-line]. Available: www.allacade-mic.com/p_mla_apa_research_citation.pdf.
- Crawford, M. (2006). *Transformations: Women, gender & psychology*. New York: Mc Grow-Hill Companies. Inc
- Frisco, M. L., & Williams, K. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of Family Issues, 24*, 51-72.
- Greenstein, T. N. (2006). *National context, family satisfaction, and fairness in the division of household labor* [on-line]. Available: www.melbourneinstitute.com/hild/conf/conf2007.pdf
- Hochschild, A. R., & Machung, A. (1989). *The second shift*. New York: Avon.
- Kamo, Y. (1998). Determinants of household division of labor: Resources, power, and ideology. *Journal of Family Issues, 9(2)*, 177-200.
- Kawamura, S., & Brown, S. L. (2010). Mattering and wives' perceived fairness of the division of household labor. *Social Science Research, 39(6)*, 976-986.
- Kiger, G., & Riley, P. J. (1996). Gender differences in perceptions of household labor. *The Journal of Psychology, 130(4)*, 357-370.
- Kluwer, E. S., Heesink, J. A. M., & Van de Vliert, E. (1996). Marital conflict about the division of household labor and paid work. *Journal of Marriage and the Family, 58(4)*, 635-653.
- Lennon, M. C., & Rosenfield, S. (1994). Relative fairness and the division of housework: The importance of options. *The American Journal of Sociology, 100(2)*, 506-531.
- Mannino, C. A., Deutsch, F. M. (2007). Changing the division of household labor: A negotiated process between partners. *Sex Roles, 56*, 309-324.
- Shelton, B. A. (1992). *Women, men and time: Gender differences in paid work*,

housework and leisure (Contribution in women's studies 127). New York: Greenwood Press.

Thompson, L., & Walker, A. J. (1989). Gender in families: Women and men in marriage, work, and parenthood. *Journal of Marriage and the Family*, 51(4), 845-871.

Archive of SID